

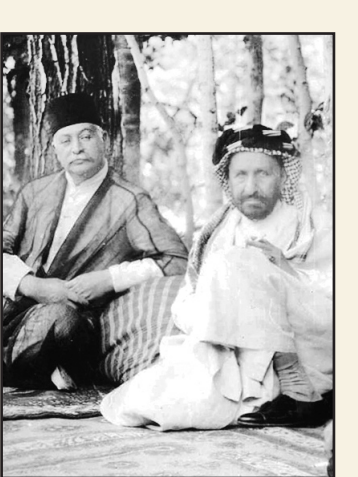
پیش‌خواب

نظری پژوهشی بر آغاز و انجام حاکمیت خزعل بن جابر بر خوزستان شگفتی رضاخان از چرخش انگلستان درباره خزعل!

■ محمد رضا کائینی



در باب آغاز و انجام حاکمیت شیخ خزعل بن جابر بر منطقه خوزستان، تاکنون آثاری چند به نگارش درآمده که پژوهشی که هم اینک از آن سخن می‌رود، در زمره یکی از شاخص‌ترین آنهاست. سرنوشت خزعل پیش و بیش از هر چیز، مبین نحوهٔ تعامل انگلستان با همپیمانان خویش است. آنان تا زمانی که این طیف را برای خویش مفید و دارای بازده بینگارند، آنان را از حمایت خود مطمئن می‌سازند، اما هرگاه که مهر‌های جدید را ترجیح دهند، آنان را در گرداب بلا رها می‌کنند و حتی گرای سرکوب ایشان را به دشمن می‌دهند! این ماجرا نه تنها برای خزعل که پس از آن برای پرکشیده بعدی انگلستان، یعنی رضایک نیز تکرار گردید. این تحقیق توسط دو پژوهشگر انگلیسی به نام دکتر ویلیام تنودورسترانگ انجام شده و صفاءالدین تبرائیان نیز آن را به فارسی بازگردانده است. مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران آن را منتشر و راهی بازار نشر ساخته است. ناشر در بخشی از دیباچه خویش بر این کتاب، در باب محتوای آن چنین آورده است: «این کتاب پایان‌نامه دکترای مؤلف انگلیسی دکتر ویلیام تنودورسترانگ است و بر مبنای اسناد آرشیوی دولت بریتانیا تنظیم شده است. وی با بررسی عملکرد امیر یالیسیم بریتانیا در جنوب غربی ایران، به تبیین چگونگی تثبیت و زوال حکومت مقتدر ۲۸ ساله شیخ خزعل بن جابر (۱۲۷۶–۱۳۰۴ خورشیدی) بر سراسر منطقه خوزستان بزرگ، کرانه‌های کارون و بخشی از خلیج فارس، با بهر‌مندی از



➤ شیخ خزعل بن جابر در دوران تبعید در تهران

حمایت‌های مداخله‌گرانه انگلیس می‌پردازد. انگلیس تا کودتای رضاخان، به طور نسبی و تحت قرار داده‌ها و ضمانت‌هایی از شیخ خزعل بر برابر تهاجم روس و فشار های دولت قاجار حمایت کرد. عمده‌ترین دلایل حمایت انگلیس از وی، اهمیت سوق الجیشی شبه قاره هند و منافع عظیم امپراتوری بریتانیا در این منطقه و ترس از ورود روسیه به مناقشه استمراری هند است، زیرا مناطق تحت حاکمیت شیخ خزعل به عنوان راه مهم ارتباطی با شبه جزیره هند، نقش حیاتی ای در تقویت و تداوم منافع انگلیس داشته است. شیخ خزعل همچنین از حمایت نسبی شیوخ و متنفذان منطقه جنوب، به دلیل ترسشان از کاهش اختیارات خود در برابر حکومت مرکزی بهره می‌گرفت. با کودتای ۱۲۹۹ ز رضاخان و تقویت ارتش او، حکومت‌های محلی و شبه خودمختار مورد هجوم دولت مرکزی قرار می‌گیرند و همزمان در سیاست‌های خارجی بریتانیا نیز چرخشی پدیدار می‌شود. سرانجام انگلیس به این نتیجه می‌رسد که در آن برهه تاریخی تثبیت حکومت قدرتمند رضاخانی در مرکز بهتر می‌تواند مانع طمع‌ورزی روسیه به هند شود، لذا انگلیس‌ها با مخفی نگه داشتن این موضوع از خزعل، به طور غیر علنی تداوم حمایت از شیخ خزعل را مغایر با منافع جدید بریتانیا تفسیر می‌کنند و این چرخش دیدگاه از طریق نامه‌هایی به رضاخان نیز اطلاع داده می‌شود، تا جایی که باعث شگفتی رضاخان نیز می‌شود! شیخ خزعل در نگرانی و سردگرمی شرایط جدید، سرانجام با حیلۀ نظامی یکی از افسران ارتش رضاخانی دستگیر شده و تحت‌الحفظ به پایتخت منتقل می‌شود و تا پایان عمر، در یک منزل شخصی در تهران در حبس خانگی به سر می‌برد.»

عاریخ

کفتد کو ۸۸۹۸۴۳۷



مانکنجی ایجنی هاترا

مهم‌ترین اقدام مانکنجی هاترا در باره زرتشتیان، جداسازی این‌اقلیت محترم از بدنه جامعه ایرانی بود، زیرا همکاری با مأموران انگلیسی و همراهی با سیاست‌های استعمارگرانه انگلستان در ایران، برای هر فرد، قوم یا گروه، ننگی بزرگ به بار می‌آورد! درواقع با این اقدام مانکنجی و منتهم شدن زرتشتیان به همکاری با استعمارگران و در نتیجه منزوی شدنشان، در مراحل بعد انگلستان می‌توانست روحیه میهن‌پرستی و استقلال روحی مردمان زرتشتی ایران را دچار خدشه کند!

نگاهی تاریخی به رویارویی زرتشتیان وطن‌پرست با عوامل انگلیس در ایران

یک عنصر وابسته در پی بهائی کردن زرتشتیان ایران!

انگلیسی در همان زمان دستی‌هم در خرید و جمع‌آوری

اشیای عتیقه، سکه و کتب قدیمی و خارج کردن آنها از ایران داشت.^(۱)

■ **مانکنجی خادم با خائن؟**

دوره قاجار را عموم مورخان و پژوهشگران تاریخ، دوره افول و سقوط فرهنگ و تمدن در ایران می‌دانند. در این دوره به دلیل بی‌کفایتی پادشاهان قاجار ظلم و استبداد به مردم در سراسر ایران‌زمین از سوی درباریان، والیان و خوانیان عمومیت پیدا کرده بود. در چنین شرایطی وضعیت اقلیت‌های دینی هم مانند بقیه مردم قاعدتأ بسامان و مناسب نبود. به همین دلیل وقتی استعمار انگلیس در حال نفوذ به ایران برای سلطه‌جویی و غارت منابع ایران بود، به وسیله مأمور خود یعنی «مانکنجی» از وضعیت نابسامان زرتشتی‌ها نهایت سوءاستفاده را کرد. مانکنجی در ایران با منسجم کردن «انجمن اکابر زرتشتیان» و تأسیس مدارس ویژه زرتشتی برای کودکان، کمک‌های مالی به زرتشتیان فقیر یزد و کرمان البته از جیب کمپانی هند شرقی آ، به علاوه ساخت دخمه برای زرتشتیان یزد و گرفتن دستور «معاذیت پرداخت جزیه» از ناصرالدین شاه در تهران

■ **انوشه میر معشری**

حوادث تاریخ معاصر ایران و تلاش‌های انگلستان برای سلطه بر کشورمان ایجاد گسترده‌ای دارد. آنچنان گسترده که با وجود انبوهی از پژوهش‌ها و چاپ مقالات و کتب بسیار در این زمینه، همچنان مسائل و موضوعاتی از آن مغفول مانده و به آن بسیار کم پرداخته شده است. یکی از این موضوعات مغفول مانده، مسئله نفوذ مأموران انگلیسی به انجمن‌های زرتشتی در ایران است. نفوذی که

باعث استفاده ایزاری از این اقلیت محترم برای ایجاد فتنه در کشور و زمینه‌سازی برای پیشبرد اهداف سلطه‌گرایانه استعمار انگلیس در ایران شده است. در این مقاله چگونگی نفوذ انگلستان طی به انجمن‌های زرتشتی، استفاده ایزاری از آنها به‌منظور تسخیر و زوال حکومت مقتدر ۲۸ ساله شیخ خزعل بن جابر (۱۲۷۶–۱۳۰۴ خورشیدی) بر سراسر منطقه خوزستان بزرگ، کرانه‌های کارون و بخشی از خلیج فارس، با بهر‌مندی از

➤ چرا انگلستان به سراغ زرتشتیان رفت؟

علمای اسلام و به ویژه فقهای شیعه بر اساس آیه ۱۷ سوره حج، «زرتشتیان» را اهل کتاب می‌دانند. به همین دلیل این مردمان در کشورهای اسلامی مانند عراق و

ایران همچون بقیه اهل کتاب، همیشه مورد احترام بوده‌اند. زرتشتیان ایران هم از زمان گسترش اسلام در میان ایرانیان تا زمان قاجار به عنوان مردمانی اهل کتاب، مهربان و صلح‌جو مورد احترام عموم مسلمانان ایران زمین بوده و البته همچنان هستند. اما کشور استعمارگر انگلیس حدود دو قرن قبل وجود این گروه

از اقلیت‌های دینی را فرصتی مناسب برای ایجاد تفرقه و پیشبرد اهداف خود در ایران می‌دید. زیرا انگلستان طی

سال‌ها استعمار کشور هندوستان، بخشی از زرتشتیان

این کشور را «دست‌آموز» و «هامور» خود کرده بود

و می‌دانست که می‌تواند از ظرفیت مأموران زرتشتی

زرتشتیانی برای پیشبرد اهداف خود در ایجاد فتنه

و عملیاتی کردن نقشه‌های سلطه‌گرانه‌اش در ایران

استفاده کند. به همین علت با نقشه و فرمان وزارت

امور خارجه انگلستان مهاجرت تعدادی از مأموران

زرتشتی هندی به ایران آغاز شد. به این شکل گروهی

از زرتشتیان هند به سرپرستی «مانکنجی پور لیمچی پور

هوشنگ هاترا» در زمان ناصرالدین شاه (۱۸۵۴ م برابر

با ۱۲۳۳ ش) به ایران وارد شدند.

■ **مانکنجی کیست؟**

مانکنجی در سال ۱۸۱۳ م [۱۱۹۲ ش] در بندر سورات هند به دنیا آمد. اجدادش از زرتشتی‌های ایرانی بودند که در زمان صفویه به هندوستان مهاجرت کرده بودند.^(۱) او از ۱۵ سالگی به خدمت قشون انگلیس در هندوستان درآمد و با مسئولیت «هندوقداری و توزیع پول میان عوامل انگلیس (جاسوسان)» در مناطق سند و افغانستان در ارتش کشور انگلستان خدمت کرده بود و در میان‌سال‌ی مأموری کار کشته برای این کشور محسوب می‌شد. مانکنجی با پوشش تجارت و البته همراه با سفارشنامه‌هایی خطاب به سفرا و مقامات انگلیس در تهران، بوشهر و بنداد، در اوایل دوران سلطنت ناصرالدین شاه وارد ایران شد. او بعد از ورود به ایران شروع به ارتباط‌گیری با زرتشتیان کرمان و یزد کرد. جالب است که وی در کنار ارتباط‌گیری با جامعه زرتشتیان ایران، به ارتباط‌گیری با «بهائیان» و «درویشی و صوفیه» هم اقدام کرد! در ضمن این مأمور صدردصد

گروهی از زرتشتیان معتقد و وطن‌پرست ساکت نشستند و علیه اقدامات او موضع گرفتند. به‌طوری که در کار انجمن‌های تأسیسی مانکنجی در یزد و کرمان وقفه ایجاد شد.^(۲)

یکی از مهاجران زرتشتی هند به ایران فردی به نام «کیخسرو جی» معروف به ریپورتر، از شاگردان و اعوان مانکنجی و البته در خدمت وزارت امور خارجه انگلستان بود. او بعد از مرگ مانکنجی در سال ۱۲۷۶، ش در تهران، مأموریت استاد خود را با تأسیس «انجمن ناصری» برای زرتشتیان یزد، کرمان و تهران ادامه داد.^(۳) مقابله زرتشتیان معتقد و غیور با اقدامات کیخسرو جی بیش‌تر از دوره مانکنجی بود. ریشه این مسئله هم تغییر مذهب دادن برخی از زرتشتیان و گرویدن ایشان به بهائیت بود. طبق آنچه در کتب بهائیان مندرج است، انجمن ناصری یزد که به دست کیخسرو جی بنیاد نهاده شد، دارای چند عضو بهائی بود که مشارالیهم از حقوق زرتشتیانی که بهائی شده بودند –اما هنوز در زی و جامعه زرتشتیان می‌زیستند- نگاهداری می‌کرد، اما بعد از مرگ کیخسرو، دامنه این تقابل و اختلاف در زمان پسر او یعنی «اردشیر جی» معروف به ریپورتر گسترش بیشتری پیدا کرد. انجمن ناصری فوق‌الذکر نیز به پشتوانه اعضای بهائی خود استقلال آنها را مورد تأیید قرار می‌داد. استاد جوانمرد منشی و دبیر انجمن بهائی بود. همچنین ماستر خدابخش نیز گرچه بهائی نبود، اما از بهائیان طرفداری می‌کرد. زرتشتیانی که بهائی شده بودند در انتخابات انجمن یزد (۱۳۷۷ ق برابر با) مداخلتی می‌نمودند و به این اختلاف‌ها دامن می‌زدند. طبق سندهای ۱۲۴ تا ۱۲۷ اختلافات مابین اردشیر جی و سنت‌گرایان بر سر همین موضوع به اوج خود رسید.^(۴)

■ **سرکوب «انجمن حق‌گوی»**

آن بخش از زرتشتیان ایران که با آموزه‌های مانکنجی و جی‌ها مخالف بودند و اعمال و آموزه‌های آنان را مخالف وطن‌دوستی و عشق به وطن می‌دانستند، شروع به مقابله با این مأموران انگلیسی کردند. آنها با تأسیس «انجمن حق‌گوی» در یزد شروع به خنثی‌سازی توطئه‌های زرتشتیان مأمور انگلستان کردند. اما وقتی به شکل قانونی و باصحت و گفت‌وگو نتوانستند جلوی انحرافات عقیدتی زرتشتیان بهائی شده و وطن‌فروشی زرتشتیان وطن‌فروش را بگیرند، حذف فیزیکی زرتشتیان کافر شده بهائی شده! را آغاز کردند. قاعدتاً در مقابل انگلستان و مأمورانش ساکت نشستند و سرکوب و منکوب کردن اعضای این انجمن و زرتشتیان مخالف استعمارگر انگلیس را در پیش گرفتند. زدن آنگ «متعصب و سنت‌گرا» به این هموطنان غیور به خاطر وطن‌پرستی و مقابله‌شان با مأموران انگلیسی و بایکوت کردن حرف و اعدافشان در تاریخ معاصر از جمله جنایت‌های انگلیس در حق زرتشتیان ایران بوده است.^(۵)

■ **خیانت بزرگ ریپورتر به دین زرتشتی**

مأموریت «ردشیر جی» معروف به ریپورتر با مأموریت پدرش در ایران تفاوت مهمی داشت و آن، این بود که از طرف دولت فخیخ‌امان انگلستان پرسود که فردی مستبد، همراه با سیاست‌های انگلستان و گوش به فرمان را پیدا و سپس برای انجام کودتا در ایران و روی کار آوردن یک حکومت دیکتاتوری به جای قجرها تربیت کند؛ مأموریتی که ریپورتر به بهترین شکل آن را انجام داد. اردشیر تا پایان عمر و به مدت ۱۶ سال (از مرحله کشف رزاق‌قلدر تا پادشاهی) همدم و همراه همیشگی رضاشاه بود (تا بعد از مرگ ۱۳۱۱ ش). انگلستان پرسود یعنی شاپور ریپورتر را جایگزین او در دربار پهلوی کرد تا همراه و همدم شاه جوان (محمد رضا باشد،^(۱) یکی از اقدامات اردشیر ریپورتر که در وصیت‌نامه سیاسی خود به آن اشاره کرده است، بدبین کردن رضا پالائی نسبت به روحانیت و توجه دادنش به تاریخ باستان است. این وصیتنامه در سال ۱۳۵۱، ش منتشر شده است.^(۲) از قضا ریپورتر در دست در همان بخش ترویج باستان گرایی به برجسته کردن تاریخ هخامنشیان، بزرگ‌ترین خیانت را در حق دین زرتشتی و زرتشتیان ایران کرد. او بدون توجه به این نکته اساسی که «نامی از آشور زشت پیامبر دین زرتشتی در سنگ‌نوشته‌های هخامنشی وجود ندارد»، هیچ نام و اشاره‌ای به کتاب دین زرتشتی یعنی اوستا در سنگ‌نوشته‌های هخامنشی وجود ندارد.» عدم یکتاپرستی هخامنشیان و اشاره مستقیم آنها به الهه و بت‌های مورد پرستش آنها در الواح و سنگ‌نوشته‌ها در مقابل یکتاپرستی زرتشتیان، «فاوت عیان دفن مردگان در سنت‌های زرتشتی یا دفن مردگان پادشاهان هخامنشی» و…^(۳) هخامنشیان را منشأ تاریخ پیروزی دین زرتشتی معرفی کرد و به این شکل، دین زرتشتی را تضعیف و تحریف کرد.

■ **زرتشتیان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی**

اقدامات خیانت‌بار مأموران انگلیسی ام‌نظا هر به دین زرتشتی ا موجب انزوا و جداسازی و حتی متأسفانه بدگمانی بخشی از بدنه مردم ایران به زرتشتیان را تا حدود زیادی فراهم کرد. اما با پیروزی انقلاب اسلامی امام خمینی(ره) در اولین روزهای پیروزی انقلاب و در تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۵۷، ش در مدرسه علوی با نمایندگان انجمن زرتشتیان ایران دیداری داشتند و در آن جلسه زرتشتیان را «خدمتگزاران ملت و مملکت» نامیدند و فرمودند: «من از آقایان تشکر می‌کنم. آقایان همه اقلیت‌ها مطمئن باشند که اسلام با اقلیت‌ها همیشه به طور انسانی، به طور عدالت، رفتار کرده است و همه در رفاه هستند و این‌ها هم مثل سایر اقلیت‌ها جزئی از ملت ما هستند و ما و آنها با هم در این مملکت زندگی می‌کنیم! ان‌شاءالله» و رفاه همه حاصل خواهد شد و زمان پیروزی که وحدت کلمه است باید حفظ بشود. ما در محل خودمان، شما در محل خودتان، سایر طبقات را هم، همه

روزنامه جوان | شماره ۶۱۶۱

کوشا باشیم که این ایرانی که الان دست ما داده‌اند و خرابه‌ای است، همه با هم و با فعالیت، همه دست به هم بدهیم و این ایران خراب را از سر بنا بکنیم… شما هم که زرتشتی‌ها هستید و همیشه خدمتگزار این ملت و این مملکت بودید، باید به کار خودتان ادامه بدهید و وحدت کلمه را حفظ کنید. از خداوند تعالی توفیق همه ملت ایران را خواهیم.»^(۴)

بعد از آن هم موقع تصویب «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» توجه ویژه‌ای به اقلیت‌های دینی و از جمله زرتشتیان شد. به طوری که طبق اصل ۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حقوق سیاسی، فرهنگی و اجتماعی زرتشتیان در قانون شامل موارد زیر می‌شود،

۱- داشتن یک نماینده در مجلس شورای اسلامی

۲- داشتن ۱۰ نماینده در شورای شهر و روستا (استان یزد)

۳- انجام آزادانه فعالیت‌های مختلف اجتماعی و مدنی در قالب ۲۸ انجمن

۴- داشتن سازمان‌های غیردولتی فعال در حوزه‌های مختلف

۵- داشتن مدارس خاص اقلیت زرتشتی و آزادی آموزش عقاید دینی خود در آن

۶- اجاز چاپ و توزیع کتب، مجلات و نشریات مختص اقلیت زرتشتی

۷- در اختیار داشتن مکان زیارتگاهی‌های مخصوص

۸- امکان برگزاری اجلاس و همایش‌های داخلی و بین‌المللی

۹- حق استفاده از تعطیلات مخصوص زرتشتیان.^(۵)

■ **کلام آخر**

گرچه در طول چهاردهه عمر نظام جمهوری اسلامی ایران زرتشتیان با فاصله‌گیری از استعمارگران و مأموران انگلیسی و مهم‌تر از آن تقدیم شهدایی گرانقدری چون «مهرداد فرارونی»، «کامران گنجی»، «فرهاد خادم»، «کیخسرو کیخسروی» و… در راه استقلال و دفاع از وطن جواب سال‌ها خیانت و جنایت انگلستان را محکم و غیورانه داده‌اند اما لازم است که درباره رویارویی زرتشتیان وطن‌پرستی که مقابل عوامل به ظاهر زرتشتی انگلیس ایستادند و در دوره قاجار و پهلوی با استعمارمیزار کردند، بیشتر پژوهش‌شود. پژوهشی که خادم‌را از خان جدا کرده و موجب معرفی زرتشتیان خدمتگزار غیور وطن به عموم مردم شود.

پی‌نوشت:

۱- مزداپور، کتابون، «زرتشتیان»، نشر مرکز پژوهش‌های فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۸۴ ش، ص ۷۸

۲- حقانی، موسی، مقاله «بهائیت و سروس‌های اطلاعاتی انگلستان»-مناسبات مانکنجی هاترا با بهائیان-، فصلنامه ایام، شماره ۲۹، مورخ زمستان ۱۳۸۲ ش.

۳- مزداپور، کتابون، «زرتشتیان»، نشر مرکز پژوهش‌های فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۸۴ ش، ص ۸۰ و ۷۹

۴- حقانی، موسی، مقاله «بهائیت و سروس‌های اطلاعاتی انگلستان»-مناسبات مانکنجی هاترا با بهائیان-، فصلنامه ایام، شماره ۲۹، مورخ زمستان ۱۳۸۲ ش.

۵- باید توجه داشت که به احتمال بسیار زیاد این شخص از خاندان «آقاخان» های کرمان و هفت‌تامی‌هاست. عمده آقاخان‌ها از عمال انگلیس در ایران محسوب می‌شوند. نام خانوادگی این شخص کرمانی الاصل مشهور به محلاتی می‌تواند این حدس را محتمل‌تر بازتابانی کند.

۶- عطاردی، عزیزالله، «جغرافیای نیمروز»-سفرنامه آماری ذوالفقار کرمانی به سیستان و بلوچستان-، انتشارات عطارد، چاپ اول ۱۳۷۴ ش، صفحات ۱۱ تا ۷

۷- امینی، تورج، «سننادی از زرتشتیان معاصر ایران»-از ۱۲۵۸ تا ۱۳۳۸ ش-، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، چاپ اول ۱۳۸۰ ش، ص ۲۸۳ و ۲۸۴

۸- مزداپور، کتابون، «زرتشتیان»، نشر مرکز پژوهش‌های فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۸۴ ش، ص ۹۴

۹- امینی، تورج، «سننادی از زرتشتیان معاصر ایران»-از ۱۲۵۸ تا ۱۳۳۸ ش-، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، چاپ اول ۱۳۸۰ ش، ص ۴۰۶ و ۴۰۷

۱۰- خزائی، حسین، «زندگی سیاسی اردشیر ریپورتر»، مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر، چاپ اول ۱۳۹۰ ش، فصل اختلاف زرتشتیان با اردشیر جی

۱۱- بابائیز، پروانه، مقاله «اردشیر ریپورتر، لورنس ایران»، ماهنامه ییاد ایام، شماره ۴۱، مورخ مهر ۱۳۸۷ ش.

۱۲- باید در نظر داشت که این وصیتنامه در زمانی که انگلستان بعد از جنگ جهانی دوم از رقیب خود یعنی آمریکا عقب افتاده و ایران تحت سلطه ایالات متحده در آمده بوده، چاپ شده است و علت انتشار آن را در رقابت‌های این دو کشور استعماری در ایران دانست.

۱۳- رضی، هاشم، «تاریخ مطالعات دین‌های ایرانی»، سازمان انتشارات فروهر، چاپ اول ۱۳۶۶ ش، ص ۴۲ و برگرفته از مقاله «پرتوی نوین بر دین هخامنشیان»، نوشته یحیی ذکا، مجله هنر و مردم، شماره ۱۲۵، مورخ اسفند ۱۳۵۱ ش.

۱۴- صحیفه امام، جلد ۶، ص ۱۹۲

۱۵- پروین سپهری، خیرالله سیما، مقاله «حقوق اقلیت‌ها در قانون اساسی» با تأکید بر اماکن، دارایی‌ها و حقوق اساسی، دوفصلنامه «مطالعات حقوق بشر اسلامی»، سال سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۳ ش، ص ۷۳ تا ۹۶